

چکیده

پژوهش کنونی درصدد یافتن تناقضات و عدم تطابق بین درک زبان آموزان و مدرسین ایرانی زبان انگلیسی (EFL) بوده تا درخصوص آموزش زبان انگلیسی در محیط بیگانه (EFL) پرتوافکنی نماید. قطعا بررسی ناهماهنگی ها بین درک و نگرش زبان آموزان و مدرسین نسبت به اهداف آموزش زبان حائز اهمیت می باشد چراکه این ناهماهنگی ها می توانند بر کارآیی کلاس زبان تاثیر بگذارند. به منظور این هدف، پرسشنامه ای با مقیاس چهارگزینه ای تحت عنوان "اهداف آموزش زبان خارجه" بر گرفته از پرسشنامه توانش ارتباطی بین فرهنگی سرکو و همکاران (۲۰۰۵) تبیین شد. این پرسشنامه پس از ازمون آزمایشی **piloting** و معتبرسازی از طریق ایمیل و یا شخصا به ۱۰۰ مدرس زبان انگلیسی ایرانی و ۱۰۰ زبان آموز زبان انگلیسی ایرانی ارائه گردید. درک مدرسان و زبان آموزان از یادگیری زبان انگلیسی به عنوان زبان مقصد با استفاده از معدل گیری و انحراف معیار مقایسه گردید. به منظور تعیین اینکه آیا تفاوت معنادار آماری بین دریافت های زبان آموزان و مدرسان وجود دارد تست T نمونه های مستقل گرفته شد. نتایج نشان داد که هیچ تفاوت معنادار آماری بین درک مدرسین و زبان آموزان در مقیاس کل وجود ندارد. براساس یافته های این پژوهش، به مدرسین پیشنهاد شد که عدم تطابق ادراکی بین زبان آموزان و خودشان را به حداقل برسانند. همچنین مدرسین و سیاستگذاران باید به زبان آموزان استقلال و اختیار بیشتری در جهت انتخاب اهداف آموزشی صحیح بدهند و منطقی که درپس اهداف به ظاهر نامطلوب آموزشی وجود دارد را برایشان آشکارکنند.